

شنبه 7 دی 1398 - 1 جمادی الاول 1441 - 28 دسامبر 2019

شهادت روحانی مجاهد، آیت الله "حسین غفاری" در زندان رژیم پهلوی (1353ش)



شهادت روحانی مجاهد، آیت الله "حسین غفاری" در زندان رژیم پهلوی (1353ش)، آیت الله شیخ حسین غفاری در سال 1295 ش برابر با 1335 ق در آذرشهر تبریز متولد گردید. وی در ابتدا در کنار تحصیل، کار می‌کرد و زندگی فقیرانه‌ای داشت. ایشان پس از مدتی تصمیم گرفت برای بهره‌گیری از استادان حوزه علمیه قم راهی این شهر گردد. از این رو، وارد حوزه علمیه قم شد و از محضر استادانی چون محمدفیض قمی، سید محمدتقی خوانساری، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، علامه طباطبایی، سید احمد خوانساری، سید حسین بروجردي و امام خمینی(ره) بهره‌رسانی‌ها و فوایدی یافت و به درجات بالایی علمی رسید. این روحانی والامقام که در کمال سادگی و قناعت زندگی می‌کرد، به خاطر ظلم و ستم رژیم وابسته پهلوی، با انتشار مجله و تألیف کتب متعدد، به مبارزه با رژیم شاه پرداخت. وی در کنار عالمان مجاهدی همچون عبدالرحیم ربانی شیرازی، سید محمود طالقانی، سید محمدعلی قاضی طباطبایی، سید اسدالله مدنی، علی قدوسی و مرتضی مطهری و... مبارزات خود را ادامه داد و تهدیدات رژیم، هراسی به دل او نیافکند. ایشان همچنین با سخنرانی‌ها و کتب متعدد، مظلوم و مفساد رژیم شاه را افشا کرد. آیت الله غفاری در جریان نهضت مقدس امام خمینی(ره) بارها به زندان افتاد و شکنجه‌ها و سختی‌ها را متحمل شد. مزدوران پهلوی برای در هم شکستن اراده این عالم مجاهد، فرزندان، برادر و همسرش را نیز دستگیر کردند اما آیت الله غفاری، چونان کوه استوار و پرصلابت ایستادگی می‌کرد و این رنج و درد را در راه هدف والا و مقدس، به جان خرید. به طور کلی حبس‌ها و شکنجه‌ها از سال 1340 آغاز و تا پایان عمر به مدت سیزده سال ادامه یافت. آیت الله غفاری در طول سال‌ها و شکنجه‌ها روحی و جسمی مقاومت می‌نمود و وقتی در زندان، نظر ایشان را درباره امام خمینی(ره) سوال کردند گفت: من فکر می‌کنم تنها کسی که می‌تواند ایران را نجات دهد، آیت الله خمینی است. و نیز جمله شجاعانه و قهرمانانه او که فرمود: "دشمن خمینی کافر است" کمر استبداد شاهي را شکست. در نهایت، رژیم که از به زانو درآوردن این اسوه پایداری ناامید شده بود تصمیم به شهادت ایشان گرفت. سرانجام این مجاهد سخت‌کوش و روحانی مبارز، پس از تحمل شکنجه‌ها و وحشتناک عوامل مزدور پهلوی، در هفتم دی ماه 1353 ش 58 سالگی به شهادت رسید و در قم به خاک سپرده شد.

فرمان امام خمینی برای تشکیک نهضت سوادآموزی (1358ش)، حضرت امام، فرمان بسیج عمومی برای مبارزه با بی‌سوادی در کشور و تشکیل نهضت سوادآموزی را صادر کردند. در این فرمان، به همه مردم ایران، توصیه شده بود که در این نهضت مردمی شرکت کنند و در باسواد کردن افراد بی‌سوادی، بکوشند. براساس آخرین گزارش‌ها، میزان بی‌سوادی در ایران به طور چشمگیری افزایش یافته و ایران اسلامی از چهارچوب کشورهای بی‌سوادی جهان خارج و در ردیف کشورهای باسواد قرار گرفته است. در سال 1355 تنها 47 درصد جمعیت شش سال به بالا با سواد بوده‌اند که این رقم در آغاز دهه سوم انقلاب اسلامی، هشتاد درصد می‌باشد.

حکم تجزیه تنباکو توسط مبارزان (1309 ق)، یکی از امتیازات ننگینی که در زمان قاجار نتایج نامطلوبی را به بار آورد امتیاز انحصار تنباکو معروف به امتیاز رژي بود. به موجب این امتیاز که در زمان ناصرالدین شاه قاجار با تالیوت انگلیسی منعقد شد، شرکت رژي به مدت 55 سال صاحب حق انحصاری تجارت تنباکوی ایران و حتی نظارت در زراعت آن شناخته می‌شد. وقتی مردم، این قرارداد را با قرارداد مشابیهی که با دولت عثمانی منعقد شده بود مقایسه کردند، از بابت این که منفعت بسیار کمتری نصیب کشور شده است دست به اعتراض زدند. با گسترده شدن اعتراضات مردمی و پیگیری علمای بزرگ تهران از جمله حاج میرزا حسن آشتیانی، این اعتراضات شکلی وسیع به خود گرفت و سرانجام حکم تحریم استعمال تنباکو توسط میرزای بزرگ شیرازی، تکلیف مردم و شاه را یکسره کرد. پس از صدور این فتوا که استعمال تنباکو به هر نحو را در حکم محاربه با امام زمان(عج) عنوان کرده بود، مردم قلیان‌ها را شکستند و انبارهای توتون را به آتش کشیدند. تأثیر این فتوا به حدی بود که در درون دربار قاجار نیز کسی از تنباکو استفاده نمی‌کرد. سرانجام ناصرالدین شاه قاجار مجبور شد که این قرارداد را فسخ نموده و مقداری غرامت به شرکت رژي پرداخت کند.

ماری "کوندامپ"، ریاضی‌دان شهیر فرانسوی (1774م)، کوندامین، ریاضی‌دان، سیاح و مهندس معروف فرانسوی در سوم مه 1701م در پاریس به دنیا آمد. وی گرچه تحصیلات مرتبی نداشت ولی به سبب علاقه فراوانی که به جغرافیا و ریاضیات پیدا کرد، به مطالعه درباره این علوم پرداخت و دانشمند مشهوری شد. کوندامین در سال 1735م به همراه دانشمندان آکادمی علوم فرانسه، درصدد شناختن شکل حقیقی کره زمین برآمد. این تلاش به کشف برآمدگی خط استوا و فرو رفتگی دو قطب شمال و جنوب انجامید. هم‌چنین کوندامین در رأس یک گروه علمی، برای اندازه‌گیری برای یک قوس نصف النهار کره زمین و با هدف تلاش برای شناخت شکل زمین به کشور پرو در آمریکای جنوبی که در نزدیکی خط استوا بود، رفت و طی ده سال

بابان اول: دوره جمهوری فرانسه، از تاج‌گذاری ناپلئون (1804م) شکل‌گیری انقلاب کبیر فرانسه در اواسط سال 1789م به تزلزل پایه‌های امپراتوری در این کشور انجامید و پس از وقوع حوادث متعدد، به سرنگونی رژیم پادشاهی و اعلام حکومت جمهوری در سپتامبر 1792م منجر شد. از این رو، از بیست و دوم سپتامبر این سال، دوره اول جمهوری اول فرانسه معروف به دوره کنوانسیون آغاز شد که در طی آن، کمیته نجات ملی زمام امور را در دست گرفت و با راه‌اندازی دادگاه‌های انقلابی و اعدام هزاران نفر، دوران خون‌بار ترور و وحشت آغاز شد. اما این دوران دیری نپایید و با شورش مخالفان علیه رهبران آن، در اوایل 1795م به پایان رسید. در این زمان، کنوانسیون کمیته‌های نجات ملی را منحل کرد و در اوت همین سال، قانون اساسی جدیدی را تصویب نمود. بر این اساس، کنفوانسیون برای اداره امور کشور، یک هیأت مدیره پنج نفری انتخاب کرد که تا سال 1799م به مدت چهار سال بر فرانسه حکومت کرد و این دوران به دوره حکومت هیأت مدیره یا دیراکتوار معروف شد. با این حال، رئیس هیأت مدیره با اختیارات وسیعی که در مدت حکومت بر فرانسه داشت به پادشاه جمهوری، شهرت یافت. رواج فساد در اواخر حکومت هیأت مدیره و بحران‌های که بر اثر هرج و مرج داخلی و جنگ‌های خارجی بروز کرده بود، زمینه را برای انقلاب تازه‌ای فراهم ساخت. در این حال، مجلس قانون‌گذاری که به مجلس پانصد نفری معروف بود، تغییراتی در ترکیب هیأت مدیره داد، ولی بحران ادامه یافت و در چنین شرایطی بود که ناپلئون بُناپارت، یکی از فرماندهان ارشد ارتش، با تمهید مقدمات قبلی، در روز نهم نوامبر 1799م با یک کودتای نظامی زمام امور را به دست گرفت. مجلس پانصد نفری ابتدا در برابر ناپلئون مقاومت کرد، ولی سربازان ناپلئون نمایندگان مخالف را از تالار جلسه بیرون کردند و باقی‌مانده نمایندگان که مرعوب شده بودند، طرح پیشنهادی ناپلئون برای تشکیل یک حکومت کنسولی را پذیرفتند. به موجب این طرح، هیأت مدیره پنج نفری به هیأت کنسولی سه نفری تبدیل شد و ناپلئون بُناپارت در مقام کنسول اول فرانسه، مقدمات اعلام امپراتوری خود را در پنج سال بعد فراهم ساخت. این امر نقطه پایان انقلاب فرانسه و آغاز دوره سوم جمهوری اول فرانسه معروف به دوره کنسولا بود. در دوران حکومت کنسولی، ناپلئون همراه با ادامه فتوحات نظامی خود دست به اصلاحات عمیقی زد که از آن جمله می‌توان به تدوین یک قانون اساسی جدید برای فرانسه، تنظیم یک مجموعه قوانین، تأسیس نخستین بانک دولتی فرانسه و تثبیت وضع اقتصادی کشور اشاره کرد. با این اصلاحات، ناپلئون می‌توانست خود را وارث و دنباله‌کننده هدف‌های انقلاب فرانسه و یا به قول طرفدارانش، ناجی انقلاب بخواند. ولی واقعیت امر این است که این ناجی انقلاب، از همان روز کودتا در فکر به دست گرفتن قدرت مطلقه بود. دومین گام ناپلئون برای رسیدن به قدرت مطلقه، تجدیدنظر در قانون اساسی سال 1800م و تصویب قانون جدیدی در اوت 1802م بود که مقام او را به عنوان کنسول مادام‌العمر تثبیت می‌نمود و مجالس قانون‌گذاری را عملاً تابع او می‌ساخت. دو سال بعد ناپلئون تصمیم گرفت در قالب امپراتور فرانسه، رژیم سلطنتی موروثی را به فرانسه بازگرداند و این تصمیم را در یک همه‌پرسی از تصویب مردم گذراند. در نهایت، ناپلئون در دوم دسامبر 1804م به عنوان امپراتور فرانسه تاج‌گذاری کرد و بدین ترتیب دوره جمهوری اول فرانسه، 26 روز بعد در 28 دسامبر به پایان رسید.

این عمل را به انجام رساند. کوندامین سرانجام در 28 دسامبر 1774م در 73 سالگی درگذشت.